

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

پنج شنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۸ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۷ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

محاكمة آصف الدوله و سالار فخر

(یار عابای قوچان در وزارت عدلیه)

سه شنبه سیزدهم جمادی الاولی - حضار فرما فرما
وزیر عدلیه - آقای تقی زاده . آقا سید مهدی . وکیل التجار
میرزا محمود کتافروش . آقا سید حسین . حاج میرزا بابا
عدالت السلطنه با یک نفر معاون ممتاز الدوله . مطیع السلطنه
میرزا حسین خان ، انتظام السلطان تند نویس مخصوص وزارت
عدلیه . محتشم السلطنه درین محاکمه وارد شد . ساعت
دو نیم از دسته گذشته شروع شد . استنطاقات و مذاکرات
روز پنجشنبه هشتم را از روی روزنامه یومیة جبل المتین نمره
۴۷ و نمره ۴۸ قرائت شد و تمام مندرجاتش موافق و مطابق
واقع بود جز در يك فقره اول که مرقوم شده است (که
قرار شد در وزارت عدلیه محاکمه شود و از سایر ادارات
که مناسبتی دارند نمایندة فرستاده شود) وزیر عدلیه گفتند
اصلاً چنین قراری داده نشده است فقط من خودم بجهت
استحکام کار خواهش کردم از بعضی ار ادارات در موقع
محاکمه حاضر شوند .

تقی زاده - طرفین را بفرمائید حاضر کنند زیرا
که در محاکمه قانوناً باید طرفین یکدفعه وارد یکدفعه
خارج شوند . وزیر - بلی در موقع محاکمه چنین است
که بفرمائید ولی اینجا محلاً استنطاق است و برای استنطاق
حضور یکی یکی لازم است - تقی زاده عرض بنسده
این است اگر محاکمه است باید طرفین حاضر باشند و
استنطاق است چرا وقت استنطاق قوچانیها
آصف الدوله و سالار هردو حاضرند ولی وقت استنطاق
آصف الدوله و سالار قوچانیها را مرخص مینمائید باید

اساس تساوی همیشه در عدلیه ملحوظ باشد . وزیر -
چشم بعد از این نکته ملاحظه میشود . قوچانیها را
حاضر کنید . علی بیگ و کسد خدا یوسف وارد شده
نشستند . وزیر - از کجا شروع شود . وکیل التجا از
خواندن اسناد . وزیر . بسیار خوب قرار شد آصف الدوله
اطلاعات و تحقیقات خود را در این فقره با توضیحاتی
در باب برائت ذمه خود کتباً نوشته بدهد گو بدید
قرائت شود . آصف الدوله خیر من چیزی نوشته ام
آنروز فرمودید در خصوص مامور هر چه میدانم بگویم
مامور مستقیماً از طهران رفت میرزا محمود ، گویا غیر
از این بود که میفرمایند . وزیر - ما پنجشنبه مستقیم
لازم است آصف الدوله و سالار از ابتدای این تا کرافات
هر افسدای که کرده اند چه بوزارت داخله و وزارت
خارجه و چه بحکومت قوچان و بجنورد و غیره و چه
ما مور مخصوص فرستادند همه را روی کاغذ آورده
اوله بی تقصیری خود را نیز بدانها ضمیمه کرده بدهند
بخوانیم نوشتجات دیگران را نیز قرائت کرده بعد از آنها
از روی تحقیق محاکمه نمائیم . آصف الدوله - رشید
نظام - و حاج علی اکبر خان - از طهران مامور
شدند بمشهد نیامدند و با طهران مستقیماً سؤال و جواب
میکردند . وزیر - آنروزیکه من بشما در استنطاق گفتم
در موقع الامان شما کجا بودید تعجب کردید بلی من
میدانستم شما حاکم خراسان و در مشهد بودید و یکاسب
هم در کرمان بجهت من فرستادید غرض فقط آن بود که
تمام اطلاعات شخصی شما را بدست بیاورم امروز هم
مکرر میکنم شما باید تحقیقات و مدارات خود را حتماً
نوشته بدهید . آصف الدوله - بلی تحقیقات شوسته رفته

شده است و در کابینه ضبط است در این موقع من عبرتم که مأمور از طهران میرود به بجنورد و مستقیماً با طهران طرف است من بیطرفی را چه کاردارند بعضی تلگرافات هم بر بی طرفی خود دارم . وزیر — خیلی خوب همین هارا بنویسید و بدهید آصف الدوله . اسباب زحمت حضرت والایشود . وزیر — وزارت عدایه باید زحمت بکشد همین حرفه هارا بشنود و بخواند . آصف الدوله — مأمور طهران را بر تهاش را بسته راسا بطهران فرستاد اما بعضی تلگرافات خودم دارم . آقا سید حسین — آنچه مستقیماً از طهران بمأمور یادگیری رد و بدل شده ربطی بتحقیقات شما ندارد شما باید اقدامات و تحقیقات خود را تا وقت آمدن بطهران نوشته بوزارت عدلیه بسپارید . وزیر — حالا که نوشته اید البته برای پنجشنبه حاضر کنید سالار هم حاضر کند . سالار — بنده عریضه نوشته ام حاضر است . وکیل التجار — خوب است پنجشنبه را طرفی عصر فرار دهید زیرا که مجلس مقدس شوری از امروز وقت صبح تشکیل میشود اگر اینجا هم صبح باشد ما بمجلس نمیرسیم . وزیر — اینجا هم عصرها گرم میشود باید صبح منعقد شود لازم نیست جنا بانعالی تشریف ببرید اگر مقصود خدمت بنوع است این هم یک خدمت بنوع است و تا پنجشنبه مجلس حضوری کافی خواهد بود .

(اینجا محترم السطنه وارد شده نشستند)

وزیر — (خطاب بمحترم السطنه) تقریرات گذشته را از روی روزنامه جبل المتین خواندیم امروز را میخواستم لوابحه که متعلق باین فقرات قرائت کرده بعد از اطلاع کامل یک روز خودمان نشسته حکمش را صادر نمایم فعلاً بهتر آن است که آنچه لوابح فعلاً حاضر است قرائت شود و اول آنچه را دیوان خانه اطلاع جدید بدست آورده قرائت شود . این سؤالیست که دیوانخانه از امیر اعظم که تازه از استرآباد وارد شده است کرده و ایشان جواب نوشته اند چون در موقع ورود ایشان من دیدن کرده جوابی اطلاعات ایشان شدم شرح گفتند وکیل استرآباد هم که آدم صحیحی است حضور داشت تصدیق کرد

(سؤال فرمانفرما وزیر عدلیه اعظم)

خدمت سرکار . . . والا امیر اعظم دام اقباله . متمنی است در باب اسراء قوچان اطلاعات خودتان را چنانچه به بنده حضوراً فرمودید در همین ورقه مشروحاً مرقوم دارید که از برای محاکمه این کار اطلاع حضرت والا که بدیوانخانه عدلیه فرستاده شود خیلی مفید و اسباب کثیر بنده است — هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۵ ع

الحسین فرمانفرما —

(جواب امیر اعظم)

چنانچه شفاها با حضور حاج شیخ غلامحسین وکیل استرآباد بمرض رسانیدم اسراء قوچانی بتحریر سالار مفختم برده شده است (ساتاق) و (شیخی) و (نور محمد خان) قربان لی دوبار نمل و میخ از طرف سالار مفختم برای دوچی ها آورده اند و چندروز متوالی در ایالات بالا (ایکدر) (قاین نخمیر) (قروی) (د بهلکه) (قچاق و کچک) مشغول استیذان بودند که این سوار الامان از میانه آنها عبور کند و بقوچان برود . چون رسم است تر کمان سوار دیگر را راه نمیدهند از میان خودشان بالا ان بروند ایالات بالا و دوچی ها هم از ایلخانی و فاخر الملک اجازه تحصیل میکنند دویت نقر اصل سوار دوچی بوده است که برای این کار حرکت میکند و از هر یک از این ایالات هم که حرکت میکنند سلاح و قتلان آن ایل با آنها هم مع شده حتی از کو کلان هم حتی از کردها در (آه) که تریکی بجنورد است نهار میخورند و در آنجا مقصد سوار جمع آوری شده یک مرتبه باهم بالامان میروند و بعد از مراجعت هر یک بقدر سوار و جمعیتی که داشته اند از چپاول و اسیر سهم میبرند و بعد از این اسرار را دست بدست میفروشند که الان در چادر تمام طوایف هستند و بیست و دو نفر آن قطعاً در چمور دوچی است که فعلاً حاضر است ولی هر یک از این اسراء صاحب چند بچه از تر کمان ها شده اند که خود آنها ابدامیل آمدن ندارند . ترا کمم آنها را باین آسانی از دست نخواهد داد بلکه هر اسیر را با میری ترجیح میدهند و حتی المقدور برای این کار حاضر نخواهند شد مگر عده که در چمور دوچی است . التقرام مفاخر الملک را هم که سیزده بود عیناً حضور مبارک فرستاد محک و مقوی این کار سالار مفختم است و مقوی و مددش ایلخانی و مفاخر الملک . والا اگر ایلخانی رضایت نداشت از میان ده تیر طایفه سیزده اسوار دوچی نمیتوانست الامان بیاورد و مفصلش همان بود که حضوراً عرض شد یکی از قوچانیها — ای خدا — ای مسلمانها —

این چه وضع است د ختر مرا که باسیری برده اند الان در دست مراد مرگان خر تو توی است که رعیت همین سالار بی انصافی است و الان در بجنورد است باز میگوید من قصیر ندارم مقداری بر خود زد جمعی حضار بگریه افتادند سالار — این مرادی که میگوید اصلاً از کوکلان است چندی در رعیتی من بود حالا مدتی است رفته . وکیل التجار — من ایرادی بر لایحه امیر اعظم دارم

(مکتوب شهری)

ما مردم بی چاره چه قدر باید دچار صدمات و زحمات فوق العایبه که تحمل بعض آنها کوهی را گاهی کند باشیم تاکنون تمام ما مردم از دست خیانت طبقه وزراء و امراء می نالیدیم حال معلوم می شود که از جاده بکی برت بوده واکل از قنای نمودیم همه از دست غیر می نالند

سعدی از دست خویشتن فریاد مارا چنان شایسته بود که در اول امر نظر بحال هیئت ملت کنیم و مارهای خوش خط و خال خانگی را از میانه برداریم و شرانانرا از خانه موروثی خود دور کنیم و بعد مشغول دفع شر خارجیان شویم نمیدانم خدایرا بچه زبان بخوانیم که ای نجات دهنده یوسف از شر برادران و ای پناه دهنده بی گناهان ای کیسه در قرآن مقدس فرموده (امن یجیب المضطر اذا دعاه فیکشف السوء) مارا ظلم گفتاران مرده خورا خار جی بس نبود که بکیر داخلیمان افکنند میتوانم بگویم که ضرایبان بملت مظلوم پیش از خار جیان است

اینان هر روز یک دست آویز در بی تخریب اساس و مایه راحت گرفتاران و نجات دهنده مظلومان کوشند یک روز آزادی قام را منع کنند یکروز آزادی زبانرا دریغ دارند یکروز دوستی و وطن را بدعت شمارند یکروز مشروطه را کفر گویند یکروز تالیس مدارس را زندقه دانند هر وقت که بدین تدبیرات بامارل فاسده و اغراض کاسده خویش نائل نشدند مردمان دانا را که زبانشان چون دم عیسوی روح بخش عوام است بای گویند کون (فاش میگویم و از عهده برون میایم) ما مردمی که قدم پیش گذاشتیم لذت حب الوطن من الایمانرا نوش و معنی الناس احرا را الا من امر برالعبدو دیه را در کوش کرده دیگر نواز این کلمات ترسی و نهان کشته شدن در طریقه دین حنیف محمدی ۴ بی می داریم و میتوانیم بگوئیم بحکم و اما بنعمته ربك فحدث اقدر خداوند بما عقل و کیاست عطا فرموده زیر بار خرافات یا کلمات ناشایسته نا پایون یا قوانین ناقصه کنفسیوس بیرون آئیم و طواق بندگی آنان را در کوش کنیم مارا خداوند قابل دید که امت حضرت ختمی مرتبت مان فرمود چنین امتی چنان بیغیر لازم دارد که از زمان بشتن الی یوم القیامه علماء عالم بزحمات ننگات فرمایشتش را یک از صد فهمند اگر توهن برافهمیده نمی خوری من فهمیده نمی خورم دست از عوام فریبی بردارید و از خدای به ترسید و پیش از این ملت اسلامرا دچار ذلت

که مینویسد اسرا هر کدام چند بیجه دارند و حال آنکه دو سال پیش نیست و یک طفل بیشتر مهکن نیست داشته باشند وزیر — این مطالبی نیست مقصودش آن است که علاقه پیدا کرده است ببلایه حالا قریب سه سال است و ممکن است دو طفل پیدا کرده باشند (صورت التزام نامه قرائت شد)

بتاریخ ۲۵ صفر ۱۳۲۵ چون در باب اسرای بافقانلو فوجان که ترا که برده اند حکم صریح سخت دولت شرافدور یافته بود امیر اعظم والی استرآباد باید حتما قرار قطعی در استرداد اسرا بدهند این است که چاکر درگاه و غلام خاتراد دولت ابد مدت از قرار این التزام متعدد و ملتزم است که انشاء اله با تقویت دولت و تشریف فرمائی ایالت جلیله با اردوی عالییه به طرق سرحد ایلات و به نمایندگی و دستورات عمل چاکر هر قدر اسیری که در میان طایفه دوجی از چاروا و چمرات بدون مسامحه و تمایل یا بزور یا بخربداری تا نفر آخر بگیرم تسلیم کارگذاران ایالت جلیله نمایم و لایا اگر خواهم از این التزام خود نکول کنم خونم مسلم راجع بدوات و حلال است و تمام دارائی غلام حق دولت است تا واضح باشد بتاریخ فوق (علی محمد ابن آقا خان کتولی)

وزیر این التزامی است که امیر اعظم از مفاخر الملک ایالتی گرفته است بعد لایحه مسالار منجم قرائت شد خلاصه اش این است

دو فقره عرض دارم — یکی آنکه خک بجنورد مثل خک روسیه قلعه و قراولخانه ندارد. چهل فرسخ خارک بجنورد هم محصور نیست ششصد نفر سوار بجنورد است که دویت نفره نوبه سر خدمت حاضر میباشند اگر ترکمان بختنا وارد شود این دویت نفر چه میتواند بکنند. باید دولت بحکومت استرآباد قدغن کند که از آنها جاوگیری بشود.

عرض دوم حکومت استرآباد برای مصرف قشون سالی مبالغه زیاد جنس و نقد میگیرد که مانع از شرارت ایل بشود ایل دوجی سپرده بعلی محمد خان کنول مفاخر الملک است و بدون اطلاع او اقدامی نمیکند چرا آنها را مسئول ندانسته مرا مسئول دانسته اید گوش بحرف مفرضین ندهید.

در این جا برادر جناب صدر العلماء وارد شد شرح واقعه مدرسه سپهسار را عرض کرد و تکلیف خواست. وزیر چند نفر مامور معین کرده باز خواستند مشغول مذاکره شوند سیدی گاشنه حاج سید محمد یزدی آمد و مدتی معطل گردید از خلاصی از او پاکت آقا میرزا محسن رسید. وزیر — مشاهده نمائید تا بحال چقدر موانع پیش آمده انسان معطل میماند بجه در نمره روز جمعه

دار پنبه غفلت از گوششان و برده جهل و کوری از چشمان بردار تا حق را از باطل و چاه را از راه تمیز دهند و اقدام با ستفاز از کردهای پیش خویش کنند و بگیرند اعمال خود گرفتار نیایند آمین آمین پاینده باد دین اسلام (زنده باد شاهنشاه مشروطه خواه) (بلند باد بیرق آزادی) (فدوی وطن محمد رفیع الموسوی)

(تشریفات خارجه)

از لندن ۱۷ ژون

بین دولت انگلیس و اسپانیول عقد معاهدات در خصوص حفظ حقوق طرفین در بحر روم و اقیانوس اطلس بسته شده و تذکره های رد می متضمن مضامین معاهدات مزبور و بدربار دول معظمه فرستاده شده از جمله دولت آلمان

میو بیلاقی نماینده دولت روس در مجلس صلح عمومی لاهه بسمت ریاست منتخب گردیده معزی الیه پس از اظهار تشکر اینطور بیان نمود که سنی و شغل این مجلس مقدس این است که حتی المقدور در تحصیل وسایل رفع اختلافات بین بطور صلح و صفا بنماید و جلوگیری از مواد جنگ و تراف بشود و در صورت وقوع جنگ اسبابی فراهم بیاورند که صدمات و خسارات جنگ چه بمجادلین و چه بدولی که داخل جنگ نیستند قدر مقدور کم گردد مجلس کنفرانس بگلی رسمی بوده و فقط بیست دقیقه بیشتر طول نکشیده دویت و سی و هفت نفر نمایندگان چهل و هفت دولت در آن مجلس حضور داشتند و لی بواسطه اینکه حضار لباس رسمی بر حسب درخواست دولت هولاند نبوشیده بودند ظاهراً چندان باشکوه نمی نمود ولی اهمیت معنوی مجلس فوق تصور است زیرا که از تمامی ممالک تربیت شده کره ارض نماینده حاضر و حضور داشته این اول مجلس است که باین تمامی و تکمیل در علم انعقاد یافته قسمتی از و کلا که طرفدار تخفیف و تجدید اسلحه و قوای جنگی دول هستند محض اینکه نیلای بر حسب ظاهر مجلس کنفرانس را برضد این امر ترغیب مینمایند باطناً مگردند

درد و فرزند جهازان فرانسی میقیم جنوب حریقها واقع شده و بین عسا کر آن مجال مکرر خلاق اطاعت مردمان مقامات عالیه و تمردات از آنها مشاهده میشود بنا بر تلگرافی واصله از طهران مترجم دولت عثمانی در طهران با گلوله مقتول و قاتل فراری شده و بدست نیامده

(اخطار)

روز نامه حبل المتین فردا را که روز جمعه است صادر خواهد شد مشترکین مسبق شده مطالبه کنند حسن الحسینی الکاشانی

نکنید و بگذارید این یکمشت مسلمان باقی مانند مکر نخوانده اید (ان یجمل الله لکالترین علی المسلمین سیلا) این قدر آن لبی اکرم ما را بجهاد امر کرده که توان احصاء کلماتش کرد پس تاچه مقدار حاضر شده اید که طوق رفیت اجانب را بگردن ما نهید و ما را در دنیا زیر دست امان و در آخرت روسیاه پیش یفیمبرسان کنید هی با آنان خلوت کنید و اجری مقاصد آنان را پیش نهاد خواطر کرده اید بخیاال انکه مازیر بار آنان خواهیم رفت خدای میداند تاچان در بدن و عرق اسلامیت در تن داریم مجال است دست از سلطنت مشروطه اسلامی خورد برداریم و تن بیار و کوش بکنار روسیان دهیم باشد تا بواسطه کلمه جامعه اسلامی حقوق مقصوبه خود را استرداد و بر منزل اول که حدود ملک اسلام بوده باز گردیم اگر شما خاکبازان بگذارید که چه اکنون که ما را از اطراف احاطه مکر دند کوه بگو تا متافق سیاه باش (ان جنداله هم الفالیون وان حزب الشیطان هم الاخصرون) شما اید که تصرف حارجیان را طلبید و این یوسف وطن را بدرام بخش مفروشید دین بدینا فروختید و خانه خود واعقب خود را سوختید ولی ضعف الطالب والمطلوب نه خودونه مطلوبتان پیش از زمان کمی درنگ خواهید کرد (ان موعده هم الصبح الیس الصبح بقرب) زمستان خواهد گذشت و روسیاهی پیداست بکه خواهد ماند عقل را پیشه خود کنید سال اندیش باشید کلمه (امروز را عشق است) کنار گذارید این مردم مردم چند سال قبل نیستند که بتوان هر روز بعنوان اسبلی تازه چید و نتیجه خیال خود را برداینان مر دمیند که به چراغ راه نمای حجج اسلام که خدای پاینده شان داراد بسر منزل مقصود رسیده نه محال است دیگر بار گردند

(چراغی را که ایزد بر فرزند)

(هر اکس پف کند جانش بسوزد)

ای کسا نیکه خود را بصورت شاه پرست بیرون آورده اید ولی باطناً برضد پادشاه مشروطه خواهید مائیم شاه درستان چرا که شما ذلت او و عزت روس را طالبید و ما عزت او را شاهنشاه میخواستیم ما خزانه او را با یول و قشون او را منظم و تنوب ساچمه را کروب و مکرین اقتدارش را از قطب شمال تا جنوب مائیم که اتحاد او را با ملت طلبیم مائیم که شرف او را میخواستیم در تمام عالم انتشار دهیم مائیم که میخواستیم نهنک بحر محیط و پلنگ سبیریا از شنیدن اسمش زهره آب کند ما مسلمانیم که میخواستیم قانون مقدس نبوی را ترویج کنیم نه چون سابق درز بر گرد و خاک بمسند بار خدایا اینانرا از جهالت برهان و ما را از توجه بازار آنان آموده